

ارزیابی روش محاسبه زکات در بنگاه‌های اقتصادی کشورهای اسلامی

○ غلامرضا سلیمانی امیری*

زهرا فرشی**

چکیده

هدف این تحقیق بررسی و محاسبه زکات در شرکت‌های بازرگانی از دیدگاه تجاری است و رویکرد آن دینی - کاربردی است. این تحقیق معانی زکات، ابعاد و موارد و جوب آن را در دارایی‌های شرکت‌ها از دیدگاه اندیشمندان اهل تشیع و تسنن در کشورهای اسلامی بررسی می‌کند. سپس شیوه محاسبه زکات، در کشورهای اسلامی برای شرکت‌های تجاری بررسی می‌شود و قوانین و استانداردهایی که تاکنون، در باره محاسبه زکات در شرکت‌ها صادر شده و نحوه انعکاس آن در صورت‌های مالی به ویژه صورت سود و زیان ارزیابی می‌شود. در نهایت، چالش‌ها و موانع موجود در شیوه محاسبه زکات و ارایه آن، در صورت‌های مالی شرکت‌ها و پیشنهاد‌های لازم را بیان کرده است.

کلید واژگان: زکات، نرخ زکات، موارد و جوب زکات، حسابداری زکات، واحدهای تجاری، استاندارد زکات.

GH_soleimany@yahoo.com

za.farshi@gmail.com

* عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء(س)

** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء(س)

سیستم های حسابداری کشورها ممکن است تحت تأثیر عوامل محیطی گوناگون قرار بگیرد؛ عواملی مانند: چارچوب سیاسی و قانونی، ماهیت مالکیت، اندازه و پیچیدگی واحد تجاری، سطح مهارت مدیران واحد تجاری و انجمن های مالی، درجه ای از دخالت قوانین در شرکت های تجاری، سرعت نوآوری شرکت های تجاری، سطح توسعه اقتصادی و الگوی پیشرفت، وضع آموزش حرفه ای، سازمان ها و خواسته های اجتماعی^۱. چندین نویسنده از جمله گمبلینگ و کریم^۲، حمید و همکاران^۳، وایلت و همکاران^۴ پیشنهادهایی در باره اهمیت ارتباط بین اسلام و حسابداری ارائه کردند. «هافستد»، معتقد است: «جامعه ای با مذهب اسلامی می تواند واقعاً اثر با اهمیتی بر سبک و شیوه عمل حسابداری داشته باشد»^۵ بنابراین نیاز به توسعه مدل حسابداری خاصی که ممکن است به جامعه اسلامی خدمت کند وجود دارد. اینکه برخی از کشورهای اسلامی تلاش می کنند که اقتصادشان به ویژه بانکداری، مطابق با عقاید اسلامی خود قرار بدهند مهم است؛ زیرا اسلام، قوانین هدایت یک واحد تجاری را مشخص می کند^۶. طبق نظر گمبلینگ و کریم: «تئوری حسابداری باید مطابق با شریعت اسلامی باشد». با

1. Sulaiman, Maliah bt, The influence of riba and zakat on Islamic accounting: 151.
2. Gambling & Karim, Business and Accounting Ethics in Islam.
3. Hamid, Craig, Clerke, Religion: A Confounding Cultural Element in International Harmonisation of Accounting?
4. Baydoun, Willet, Islamic Accounting Theory.
5. Hofstede, G, Sage Publications Culture's Consequences: International Differences in Work-Related.
6. Sulaiman, Maliah bt, The influence of riba and zakat on Islamic accounting.:151.

وجود این در مطالعات قبلی درباره اهمیت فرهنگ بر رویه های حسابداری به ندرت شناخت روشی از اسلام را به عنوان عاملی اثرگذار ارائه کردند.^۷

اقتصاد اسلامی بر پایه شریعت یا قوانین اسلامی است که ناظر به مسایل مادی و معنوی به صورت همزمان است. اصل و اساس شریعت در اداره جامعه، در این است که «امنیت و عدالت» اقتصادی، اجتماعی را برای آحاد جامعه به ارمغان آورد. دین اسلام به ما می آموزد که «تمام ثروت های عالم از آن خداست و ما منحصرأ امانت دار این ثروت هستیم».^۸

نظام اقتصاد اسلامی بر این باور، استوار است که هیچ انسانی حق ندارد آنچه را که آفریده خدا یا ماحصل تلاش دیگری است، از آن خود بداند. این قوانین برای برقراری عدالت اجتماعی وضع شده، و تفاوت های اصلی بین اقتصاد غربی و اسلامی نیز در همین نکته «عدالت اجتماعی» است.^۹

در نظام های اقتصادی مالی حاکم بر غرب، اشخاص به هر صورتی که بخواهند می توانند از مال و ثروت خود استفاده کنند؛ زیرا آنها «حق کامل و غیر مشروط» خود را، اهرمی ضروری برای زندگی می دانند و تنها هدف چنین اقتصادی «ثروت اندوزی» است.^{۱۰} ولی در اقتصاد اسلامی چنین حقی برای اشخاص در نظر گرفته نمی شود، بلکه آنها صرفأ امانت داران آن ثروت محسوب می شوند و قوانین از طرف خداوند وضع و ابلاغ می شود، لذا هیچ فردی نباید اموال و ثروت خود را هدر دهد.^{۱۱}

7. Gambling & Karim, Business and Accounting Ethics in Islam.

۸. الرحمن، آیه ۷.

9. Haqiqi, A & Pomeranz, F, Accounting needs of Islamic banking: 153.

10. Shafi, M., Distribution of wealth in Islam.

11. Rahman. S., ISLAMIC ACCOUNTING STANDARDS: 1.

زکات

زکات در لغت به معنای تطهیر و نمو است. از نظر مذاهب اسلامی یکی از ضروریات دین و از ارکان اسلام، محسوب می‌شود که آیات و روایات فراوانی دلالت بر وجوب و اهمیت این فریضه الهی دارد. به تصریح قرآن کریم^{۱۲} «زکات واجبی است، مالی و از مالیات‌هایی است که هر مسلمان دارای شرایط، باید از دارایی خود پردازد و به مصارف مقرر شرعی برساند».

یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین بنیان‌های اقتصاد اسلامی، زکات است. از نظر اقتصادی، در جایگاه دوم و از نظر اهمیت موضوع، وظیفه شرعی هر مسلمان است. زکات به معنای واقعی «تزکیه» است. کسانی که میزان ثروتشان از حد نصاب معمولی فراتر رود ملزم به پرداخت بخش ناچیزی از مال خود، برای تصفیه و تزکیه ثروت خواهند شد^{۱۳}.

در دین اسلام، بر تأسیس مراکز خیریه توزیع زکات تأکید شده است؛ این مراکز به طور معمول به صورت داوطلبانه در کشورها اداره می‌شوند. پرداخت زکات در سیستم اسلامی، وظیفه‌ای شرعی و نوعی عبادت به شمار می‌رود و کسی که در صدد کاهش میزان زکات خود برآید، گناه بزرگی را مرتکب شده است. زکات در حقیقت نوعی قرض دادن به خداست که خداوند خود بازپرداخت و حتی پاداش آن را به هر صورت در این دنیا و در جهان آخرت پذیرفته است.^{۱۴}

زکات مالیاتی است که فرد مسلمانی که ثروتش از میزان مشخصی بیشتر شد باید پردازد و دیدگاه‌های اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی از تأمین مالی اسلامی را دربرمی‌گیرد. در محیط اخلاقی، زکات برای توزیع ثروت و از بین بردن فقر از

۱۲. معارج، آیه ۲۴.

13. Ibid: 2.

14. Ibid: 3.

جامعه و همچنین تشویق ثروتمندان به زندگی با مسئولیت اجتماعی است. از دیدگاه اقتصادی، زکات مانع جمع شدن نامتوازن ثروت در دست تعدادی اندک است و باعث توزیع آن در سطح گسترده می شود.^{۱۵}

متان معتقد است که «پرداخت زکات باید اختیاری و محرک اجتماعی حقیقی باشد؛ زیرا پرداخت زکات نمادی از وحدت داخلی از مذهب و اقتصاد است». دین اسلام تصریح می کند که تنها اشخاص، مسئول زکات هستند. مالکان، مسئول تعیین مبالغی هستند که باید به عنوان زکات پردازند.^{۱۶} در نتیجه گمبلینگ و کریم معتقدند که:

یکی از اهداف عمده حسابداری در جامعه اسلامی فراهم کردن اطلاعاتی است تا به اشخاص برای تعیین بدهی زکات خود کمک کند.^{۱۷}

مسئله دیگری که به طور کامل بین حقوق دانان اسلامی بحث می شود، این است که آیا شرکت ها مسئول پرداخت زکات هستند یا نه؟ این مسئله در کنفرانسی که در سال ۱۹۸۵م در کویت برگزار شد، حل گردید. در این کنفرانس توافق شد در مواردی که شرکت را به عنوان شخصیت حقوقی جداگانه در نظر بگیریم، زکات، باید براساس خالص دارایی های جاری شرکت تعیین شود. وقتی مقدار زکات مشخص شد، بین مالکان تقسیم می شود تا هدف هر مالک در تعهدات مذهبی خود تحقق یابد. به هر حال حقوق دانان اسلامی در چهار مورد به اجماع رسیدند که یک شرکت، تعهد زکات خود را به عنوان واحد تجاری یا از طرف مالکانش پردازد. این چهار مورد عبارتند از:

15. Sulaiman, Maliah bt, The influence of riba and zakat on Islamic accounting: 157.

16. Mannan, M.A., Islamic Economics: Theory and Practice.

17. Gambling & Karim, Business and Accounting Ethics in Islam.

۱. هنگامی که قانون، شرکت را به اجرای تعهدات زکات به عنوان یک واحد تجاری ملزم کند.

۲. هنگامی که شرکت در آیین نامه خود، ملزم به پرداخت زکات به عنوان واحد تجاری است.

۳. هنگامی که مجمع عمومی سهامداران تصویب کنند که شرکت، تعهدات زکات را به عنوان یک واحد تجاری پردازد.

۴. هنگامی که مالکان، شرکت را به عنوان نماینده آنها برای ایفای تعهدات زکات تعیین کنند.^{۱۸}

اقسام زکات

زکات به دو دسته واجب و مستحب تقسیم می شود. زکات اموال که خود از زکات های واجب به شمار می آید به زیرمجموعه های متعددی تقسیم می شود که عبارت است از انعام ثلاثه (شتر، گاو و گوسفند) و نقدین (طلا و نقره) و غلات اربعه (گندم، جو، خرما و کشمش) که هر کدام از اینها را به تفصیل بررسی خواهیم کرد. از نظر فقه امامیه، فقط موارد مذکور، جزو زکات های واجب محسوب می شود و در غیر از این نه مورد زکات واجب نیست.

زکات در میوه ها و آنچه از زمین می روید حتی گیاه اشتهان^{۱۹} (برخلاف سبزی ها، تره جات، بادمجان، خیار، خربزه و مابقی آن) و همچنین در زمان کنونی،

18. Sulaiman, Maliah bt, The influence of riba and zakat on Islamic accounting: 159.

۱۹. اشتهان نباتی است که روی بدنه درخت و صخره ها می روید و برای شستن دست استفاده می شود.

مال التجاره با شرایط خاص و در اسب های ماده مستحب است. ۲۰، ۲۱

تعیین زکات

زکات براساس ثروت واحد تجاری، بدون در نظر گرفتن اینکه آیا عملیات آن سودآور است یا خیر، تعیین می شود. به عبارت دیگر زکات تنها براساس رشد سرمایه قابل پرداخت است. رشد سرمایه به معنای سودهای تحقق یافته و تحقق نیافته بر دارایی های ثابت و جاری است. ۲۲

گمبلینگ و کریم پیشنهاد می کنند که یک سیستم حسابداری بر مبنای زکات باید بر اهمیت دارایی های واقعی تأکید کند. بنابراین همه معاملات باید در قالب اثرات آن ها بر دارایی ها، بدهی ها و حقوق صاحبان سهام تجزیه و تحلیل شود. آن ها معتقدند که باید از تمرکز بر رویکرد «درآمد - هزینه» به رویکرد «دارایی - بدهی» برای اهداف اندازه گیری سود تغییر پیدا کند. بنابراین تراز نامه، منبع مهمی از اطلاعات حسابداری خواهد شد. ۲۳

دارایی ها در تعیین ثروت برای محاسبه زکات به دارایی های سرمایه ای و موجودی کالا طبقه بندی می شوند. دارایی های سرمایه ای (یا دارایی های ثابت)

۲۰. محزون، طیه، بررسی زکات و احکام فقهی آن از نظر مذاهب اسلامی و مذاهب خمسه، ص ۳۷ و ۳۸.

۲۱. زکات های واجب از دیدگاه دیگر مذاهب به پنج دسته عمده تقسیم می شود: اول، انعام ثلاثه که با شرایط خاص و ویژه بین مذاهب مختلف اختلاف نظر وجود دارد و نظرانشان در مقایسه با هم فرق می کند. دوم، طلا و نقره، سوم، عروض تجارت، چهارم، معادن و گنج ها و پنجم، زراعت و درختان. در اینها زکات واجب است و سخن از زکات های مستحب در میان نیست.

22. Sulaiman, Maliah bt, The influence of riba and zakat on Islamic accounting: 160.

23. Gambling & Karim, Business and Accounting Ethics in Islam.

مانند ماشین آلات و تجهیزات برای استفاده واحد تجاری است در حالی که موجودی کالا (دارایی جاری) برای فروش مجدد هستند.^{۲۴}

به عقیده السلطان و البدوی دارایی‌ها باید شرایطی داشته باشند تا در محاسبه زکات ذکر شوند:

۱. مالکیت دارایی کامل باشد، خواه دارایی در تصرف مالک، بدون هیچ محدودیتی باشد یا به وسیله افراد دیگر نگهداری شود، ولی تحت مالکیت مالک باشد.

۲. دارایی، رشد یافته یا در حال رشد باشد.

۳. دارایی، بالاتر از حداقل مقدار (حد نصاب) باشد.

۴. دارایی، مازاد بر نیاز فردی و تجاری باشد.

۵. دارایی، خالص از بدهی باشد.

۶. دارایی، برای یک سال نگهداری شده باشد.

از شش شرط مذکور شرط سوم و چهارم به طور نسبی با ابهام ارائه شده است. آنچه از نظر فردی برای نیازهای اساسی خود، کافی به نظر می‌رسد، ممکن است برای دیگران نا کافی باشد، در اینجا ابعاد روحانی و معنوی مطرح می‌شود. اسلام در هر عملی به اصالت احساس افراد، هدف‌های عالی و خلوص نیت افراد تأکید دارد. علاوه بر این، اسلام همه ثروت را در نهایت، متعلق به خدا می‌داند، پس هیچ دلیلی برای اینکه فرد متدین، ثروتش را کمتر بیان کند تا زکات کمتری بپردازد، وجود ندارد.^{۲۵}

24.Sulaiman, Maliah bt, The influence of riba and zakat on Islamic accounting: 160.

25. El-Badawi, M.H. & Al-Sultan, S.M., Net Working Capital versus Net Owner's Equity Application.

ارزش گذاری دارایی

ارزش گذاری براساس میزان پول موجود خواهد بود و براساس معیارهای COCOA^{۲۶} معادل پول رایج آن کشور است. ارزش منابع غیر مالی از قبیل زمین، باغ و مغازه، از طریق سیستم های ارزش گذاری موجود برآورد و میزان زکات آن مشخص می شود.^{۲۷}

اصول ارزش گذاری، در تعیین دارایی ها برای محاسبه زکات به خوبی در دین اسلام مقرر شده است.^{۲۸} اما به هرحال دین اسلام، به عنوان راهنمای کلی است. به همین دلیل حقوق دانان مسلمان، بر روش واحدی در ارزش گذاری دارایی برای تعیین زکات توافق نظر ندارند.^{۲۹} بعضی از حقوق دانان مسلمان، روش بهای تمام شده تاریخی را مطلوب می دانند، ولی بیشتر حقوق دانان ارزش جاری دارایی ها را در زمان فروش آنها معرفی می کنند. شاید به همین دلیل است که ارزش جاری، بیشتر با مفهوم رشد سرمایه، خواه واقعی یا برآوردی ارتباط داشته باشد.^{۳۰} «کاهف»، کمترین بهای تمام شده یا ارزش بازار را ترجیح می دهد. مبنای ارزش گذاری دارایی در COCOA، ارزش پولی یا معادل پولی دارایی است.^{۳۱} ارزش جاری بازار یک دارایی، ممکن است بر مبنای میانگین ارزش معاملات انجام شده در بازار و یا ارزشی که شرکت دارایی را خریداری یا می فروشد، تفسیر

26. COntinuously COntemporary Accounting.

27. Sulaiman, Maliah bt, The influence of riba and zakat on Islamic accounting: 161.

28. Gambling & Karim, Business and Accounting Ethics in Islam.

29. El-Badawi, M.H. & Al-Sultan, S.M., Net Working Capital versus Net Owner's Equity Application.

30. Ibid.

31. Kahf, M., The Calculation of Zakah for Muslims in North America.

شود. در حسابداری اسلامی از مفهوم محافظه کاری، مانند آنچه که در غرب درک می شود، حمایت نمی شود. محافظه کاری به معنی پرداخت کمتر زکات است که بر افراد فقیر جامعه تأثیر می گذارد. بنابراین تعیین درست ثروت و حداقل تخمین بی طرفانه از آن، مهم است و اسلام از ارزش جاری حمایت می کند.^{۳۲} همین طور قرآن کریم مسلمانان را نسبت به چشم تنگی و خسیسی هشدار می دهد.^{۳۳}

نرخ زکات

قانون کلی برای تعیین نرخ زکات این است که هر چه هزینه کار و نیروی سرمایه در تولید کمتر باشد، میزان زکات بالاتر می رود.^{۳۴}

بر پایه این اعتقاد، خداوند است که معاش انسان را تأمین می کند. در صورتی که کار و سرمایه ناچیز به عنوان عوامل تولید، هزینه می شود، به این مفهوم است که ارزش افزوده محصول، همگی هدیه ای از جانب خداوند است. از این رو بهتر است درصد بیشتری از تولید، با عنوان زکات به خداوند باز پس داده شود. نمونه ای از این قانون در تعیین نرخ زکات برای زمین های آبی و دیم در گذشته می باشد. نرخ زکات برای زمین دیم بیش از زمین آبی است؛ زیرا در زمین آبی باید برای آبیاری، هم کار صورت گیرد و هم، منابعی هزینه شود، ولی در زمین دیم، آب لازم از باران الهی تأمین می شود. از این رو، نرخ بیشتری از زکات به آن تعلق می گیرد. بنابراین هر ثروتی که حاصل کار و هزینه ناچیز است، دستخوش بالاترین حد زکات می شود، که برای نمونه می توان به پیدا کردن گنج و غرامت

32. Sulaiman, Maliah bt, The influence of riba and zakat on Islamic accounting: 162.

۳۳. نساء، آیه ۳۷.

34. Siddiqi, S., Public Finance in Islam: 8.

جنگی، اشاره داشت (زیرا در اسلام، جهاد فقط در راه خدا صورت می‌گیرد و ثروت و غرامت حاصل، کاملاً غیرطبیعی و ناخواسته است) با وجود این، ثروتی که نیاز به تلاش بیشتری دارد؛ (دام‌ها و محصولات) اگرچه مبتنی بر خواست الهی است، مشمول زکات به میزان کمتری می‌شود و ثروت مستلزم حداکثر تلاش، مشمول حداقل نرخ زکات می‌شود که برای نمونه می‌توان به جمع‌آوری پول نقد اشاره داشت؛ زیرا تجارت ریسک ضرر و زیان را نیز در برمی‌گیرد که به ذکاوت و شرم تجاری فرد نیز وابسته است.^{۳۵}

موارد وجوب زکات

پرداخت زکات در نه مورد واجب است. هرکس مختصر آشنایی با فقه داشته باشد، بی‌تردید به وجوب زکات در این موارد پی می‌برد. این موارد عبارتند از:

۱. غلات اربعه: غلات اربعه عبارتند از: گندم، جو، خرما و کشمش.

شروط وجوب زکات در این محصولات دو چیز است: ملکیت و نصاب.

قیمت اجناسی که زکات به آنها تعلق می‌گیرد، قیمت زمان تعلق وجوب است، نه زمان خروج آنها از دارایی. پس اگر قیمت اجناس در هر دو زمان، مختلف باشد، باید زمان وجوب رعایت شود.^{۳۶}

۲. انعام ثلاثه: انعام ثلاثه عبارتند از: گاو، گوسفند و شتر.

35. Rahman. S., ISLAMIC ACCOUNTING STANDARDS: 2.

۳۶. فقهای اهل سنت، غیر از ابن حزم اندلسی، که کشمش را از قانون زکات بیرون می‌داند، بر وجوب زکات در موارد نه‌گانه اتفاق نظر دارند. همچنین زکات را بر همه محصولات کشاورزی اعم از میوه‌ها، پرورش گل‌های تجاری، سبزیجات و همه انواع جو در زمان درو می‌دانند. گذشت یک سال برای محصولات کشاورزی کاربرد ندارد. اگر دو یا چند محصول در یک زمین کاشت شود، زکات چندین بار صرف نظر از زمان آن پرداخت می‌شود. شیوه محاسبه زکات در محصولات کشاورزی مانند دیدگاه شیعه است.

شروط وجوب زکات انعام ثلاثه عبارتند از: ملکیت، نصاب و حول.
نصاب: وجوب زکات در انعام ثلاثه وجوب زکات وقتی محقق می شود که به حد نصاب برسند و پیش از رسیدن بدین حد، چیزی به عنوان زکات در آنها واجب نیست. البته در مورد دام و نقدین، بیش از یک حد نصاب وجود دارد، یعنی پس از اینکه هر یک از اقلام مورد تعلق زکات، به حد معینی رسید، زکات آن را باید پرداخت، ولی مازاد بر آن حد نصاب اول، زکاتی واجب نیست تا آنکه به مرحله بعدی، یعنی برای مثال، به حد نصاب دوم برسد.

گوسفند دارای پنج نصاب، گاو دو نصاب و شتر دوازده نصاب است.
حول: که به اتمام یازده ماه محقق می شود؛ اگر قبل از حول و لو به نیت فرار از زکات، به نصاب ضربه وارد شود، زکات به آن تعلق نمی گیرد.
علاوه بر شروط فوق، حیوان باید شروط دیگری نیز داشته باشد تا زکات به آن تعلق گیرد، از جمله اینکه حیوان در تمام سال از علف بیابان بچرد و به اصطلاح سائمه باشد. ۳۷.

۳۷. شروط وجوب زکات انعام ثلاثه، از دیدگاه مذاهب اهل سنت بدین صورت است:
مالکیه و شافعیه در باره حیواناتی که به آنها زکات تعلق می گیرد، اعتقاد دارند که این حیوانات باید اهلی باشند و به حیوانات وحشی زکات تعلق نمی گیرد؛ نشان اهلی بودن این است که این حیوانات در کوه متولد شده باشند و اگر کسی مالک یک گاو وحشی و یا همین طور با این صفت دارای گوسفندی باشد، زکات به آنها تعلق نمی گیرد. حال فرقی نمی کند مادرش اهلی باشد یا نباشد.
حنفیه در باره حیوانات متولد شده که آیا اهلی هستند یا نه، به نسل آن حیوان از طرف مادرش توجه می کنند؛ چنانچه مادر اهلی باشد، پس به این حیوان زکات تعلق می گیرد و در غیر این صورت زکاتی تعلق نمی گیرد.
حنابله: زکات در باره این حیوانات هیچ فرقی نمی کند، بنابراین حیوانات وحشی و حیوانات غیر وحشی که از مادر وحشی یا اهلی متولد شده باشد، به هر صورت که باشند، زکات واجب است. از آنجا که بیشتر اموال عرب ها در صدر اسلام شتر بوده، از این رو، شتر از اهمیت خاصی برخوردار است و در این مورد در صدر نصاب ها قرار دارد. در باره حیوانات مورد بحث هیچ تفاوتی در نژاد و نسل آنها وجود ندارد.

امامیه اعتقاد دارد که در هر پنجاه شتر، یک شتر ماده ای که داخل در سال چهارم باشد (حقه) و در هر چهل شتر، یک شتر ماده ای که داخل در سال سوم باشد که در اصطلاح به آن بنت لبون گویند، باید به عنوان زکات داده شود؛ یعنی واجب است که از این دو عدد، عدد مطابق با آن رعایت شود و اگر مطابقت نشود مگر با هر دو عدد، باید هر دو ملاحظه شود و اگر با هر یک به تنهایی مطابقت شود، مالک مخیر است با هر کدام که خواست مطابقت کند. ۳۸

در تمام مذاهب در بین دو فریضه از نصاب گاو بخشودگی و عفو وجود دارد و زکاتی در آنها نیست مگر حنفیه.

حنفیه می گوید: «درست است که در بین دو فریضه عفو است، مگر اینکه از ۴۰ تا ۶۰ اضافه باشد. در این صورت زکات زیادت واجب است به اندازه آن از مسنه، بنابر ظاهر روایت و در واحد اضافه بر ۴۰ تا، یک چهلم مسنه واجب است

۳۸. شافعیه و حنفیه اعتقاد دارند که وقتی تعداد شترها به ۱۲۱ تا برسد؛ باید سه ماده لبون به عنوان زکات پرداخت شود.

مالکیه اعتقاد دارند اگر تعداد شترها از ۱۲۱ نفر تجاوز کند، ساعی مخیر است که سه ماده لبون بگیرد یا دو حقه و این زمانی است که صنف در نزد زکات دهند نباشد یا مفقود باشد. اما اگر یکی از این دو صنف موجود بود، واجب است که از آن صنف خارج شود و صاحب مال مکلف نیست که صنف مفقود را به عنوان زکات بپردازد، در صورتی که ساعی بخواهد.

حنفیه اعتقاد دارد زمانی که تعداد به ۱۲۰ رسد، فریضه، اعاده می شود و زکات مازاد مانند زکات نصاب اول می شود و در هر پنج تایی اضافی، یک گوسفند همراه با دو حقه واجب است تا ۱۴۵ تا که در آن دو حقه و یک ماده مخاض و در ۱۵۰ تا سه حقه و در هر پنج تایی که بر ۱۵۰ تا اضافه می شود، یک شاة واجب می شود تا ۱۷۵ تا، این سیر ادامه دارد تا به ۲۰۰ تا برسد؛ در ۲۰۰ تا شخص زکات دهنده مخیر است، بین چهار حقه یا پنج ماده لبون که پس از آن فریضه از سر گرفته می شود؛ همچنان که در ۵۰ تا که بعد از ۱۵۰ تا است از سر گرفته می شود به این معنا که در هر ۵ تا که بر ۲۰۰ تا اضافه می شود، یک شاة اضافه بر آنچه که در ذمه آن شخص بوده، واجب می شود تا ۲۴۵ تا و اگر به ۲۴۶ تا برسد در آن حقه واجب است تا ۲۵۰ تا اگر اضافه شد در ۵ تایی اضافی مثل آنچه پیش از این گفتیم، رفتار می شود.

و در دوتایی دودهم مسنه واجب و همین طور تا آخر».

نصاب گوسفند: علامه می فرماید: در باره نصاب اول گوسفند باید بره میشی که هفت ماه تمام کرده باشد و در اصطلاح به آن شیشک می گویند، به عنوان زکات داد و یا بزی که یک سال آن تمام است که در اصطلاح به آن کُج می گویند.^{۳۹}

نظر فقهای اهل سنت نیز مانند فقهای شیعه در باره نصاب گاو یکی است. شافعیه و حنبلیه و مالکیه اعتقاد دارند در زمانی که تعداد نصاب به چهل گاو برسد، نر مسن کفایت نمی کند. حنفیه می گوید: نر و ماده یکی است و زمانی که تعداد گاوها به چهل رأس رسد واجب است که مسن یا مسنه را به عنوان زکات داد.

۳. زکات نقدین: سومین زکات از زکات های واجب، نقدین است. نقدین عبارت است از طلا و نقره، ولی به طلا و نقره با شرایطی خاص، زکات تعلق می گیرد که این شرایط عبارتند از:

الف) رسیدن به حد نصاب:

ب) گذشتن یک سال بر آن؛ سال عبارت است از یازده ماه قمری و وارد شدن در ماه دوازدهم. در این مدت اگر نقدین به مصرف نرسد، زکات تعلق می گیرد.

ج) طلا و نقره به سکه رایج برای معامله باشد (در عربی به طلای مسكوك دینار و به نقره مسكوك، درهم می گویند).

طلا دارای دو نصاب است:

۳۹. نظر فقهای اهل سنت: فقهای مذاهب چهارگانه بر این اعتقادند که زمانی که تعداد گوسفندان به ۳۰۱ تا رسد مانند ۲۰۱ تا، سه گوسفند به عنوان زکات داده شود و زمانی که تعداد گوسفندان به ۴۰۱ تا رسد، زکات آن چهار رأس گوسفند است و آنچه از چهارصد بالا رود، در هر صد رأس یک گوسفند به عنوان زکات تعلق می گیرد.

تبصره: گوسفندی که برای زکات گوسفند و شتر در نظر گرفته می شود، اگر از جنس بره باشد، باید یک سال کامل داشته باشد و داخل در سال دوم شده باشد ولی اگر از جنس نر باشد باید داخل سال سوم باشد و گوسفند نر از ماده و برعکس کفایت می کند.

۱. پانزده مثقال معمولی و مقدار زکات آن، یک چهلم نصاب است.

۲. سه مثقال معمولی، یعنی اگر سه مثقال به بیست مثقال اضافه شود، باید

زکات بیست و سه مثقال از قرار یک چهلم داده شود.

مذاهب اربعه به اتفاق بر این نظرند که زکات در طلا، هنگامی که به حد نصاب

برسد واجب است و حد نصاب آن برابر با بیست مثقال که دینار نیز هم وزن آن

است، جز حنابله که می‌گویند دینار کوچک‌تر از مثقال است.^{۴۰}

دومین شرط از شرایط وجوب زکات، مسکوک بودن نقدین است. مسکوک

بودن، یعنی اینکه طلا و نقره باید به صورت سکه‌های ضرب شده باشند و مقصود

از سکه این است که دارای نقشی باشد و نشان دهنده فلز نقد شهری است و با آن

معاملات خاصی صورت می‌گیرد؛ یعنی بهای اجناس در معامله واقع می‌شود و یا

قیمت اجناس با آن سنجیده می‌شود.

حال که سکه دار بودن شرط است، بعضی از فقها معتقدند که در شمش طلا و

نقره، زکاتی واجب نیست، هرچند با آن معامله صورت می‌گیرد. ولی بعضی

دیگر برآنند که به شمش طلا و نقره زکاتی تعلق نمی‌گیرد، مگر مقصود از شمش

کردن، فرار از زکات باشد که در این صورت زکات لازم است.

به اسباب زینت (زیورآلات) زکاتی تعلق نمی‌گیرد، بلکه مستحب است

زیورآلات را به کسانی که زیورآلات ندارند به عنوان عاریه بدهند که این

عاریه دادن خود زکات زیورآلات به شمار می‌آید. اما اگر همین طلا و نقره را به

دلیل فرار از زکات به زیورآلات تبدیل کنند یا به عقار بفروشند در چنین حالتی اگر

این ابتکار بعد از سال باشد زکات واجب است و اگر قبل از سال باشد زکاتی بر

گردن شخص نیست.

۴۰. از نظر مذاهب اربعه خواه این طلا و نقره به صورت مضروب باشد یا مضروب نباشد، فرقی

در نصاب ندارد و تنها شرط آنها این است که غیر از زیورآلات باشد.

سومین شرط از شرایط وجوب زکات در نقدین، گذشت یک سال بر آنهاست. لازم است که نصاب طلا و نقره در تمام سال موجود باشد. حال اگر در بین سال، از مقدار نصاب کم شود و یا عین جنس به جنس دیگر تبدیل شود، خواه از جنس خودش و خواه از جنس غیر خودش، در اینجا دیگر زکات به عهده مالک نیست، اگر چه به دلیل فرار از زکات باشد. بعضی از فقها سال را به طور کلی تمام شدن ماه دوازدهم می دانند، ولی عده ای دیگر، سال را تمام شدن ماه یازدهم و ورود به ماه دوازدهم می دانند.

نقره نیز دارای دو نصاب است:

۱. زکات ۱۰۵ مثقال معمولی، یک چهارم است که دو مثقال و پانزده نخود است.

۲. بیست و یک مثقال، یعنی اگر بیست و یک مثقال به ۱۰۵ مثقال اضافه شود، باید زکات تمام ۱۲۶ مثقال را به طوری که گفته شد ادا کرد و اگر کمتر از بیست و یک مثقال بر نصاب اول اضافه شد، مبلغ افزوده مشمول زکات نمی شود و همین طور هر چه بالاتر رود مادام که به بیست و یک مثقال نرسد، زکات ندارد و وقتی بدین حد رسید باید یک چهارم کل نقره را به عنوان زکات بپردازد.

نکته مهمی که در زکات نقدین، وجود دارد این است که: معنی و مقصود از نقدین که با تعبیرات (ذهب و فضه)، (درهم و دینار) و (المال الصامت) در منابع اسلامی آمده، چیست؟ آیا درهم و دینار که در روایات آمده است و زکات بر آنها واجب شده، موضوعیت دارد و مخصوص پول های در گردش آن زمان بوده است و یا موضوعیت ندارد و منظور پولی است که در دست مردم راکد بماند و استفاده شود؟ همان طور که اشاره شد فقهای ما، فقط همان پول در گردش آن زمان را با شرایط و خصوصیتی که بیان شد، جزو قانون زکات دانسته و پول های امروزی، مانند اسکناس، سکه های فلزی غیر از طلا و نقره و ... را خارج از قلمرو این حکم

می دانند، البته فقهای اهل سنت، به جز حنبلیان، پول های در گردش هر زمان را جزو نقدین می دانند و بر این باورند که هدف شارع آن بوده است از پولی که بیش از یک سال از جریان اقتصادی کنار می رود و راکد می ماند، مالیات اخذ کند. در آن زمان، چنین پولی طلا و نقره مسكوك و اکنون اسكناس است.

عموم فقهای اهل سنت به غیر از حنبلیان برآنند که در اوراق مالی، زکات واجب است؛ زیرا آنها اکنون در دادوستدها به جای طلا و نقره به کار می روند و به آسانی می توان آنها را به نقره تبدیل کرد. بنابراین عقلانی نیست که در نزد مردم، سرمایه و ثروت بزرگی از اوراق مالی باشد و برای آنان تبدیل نصاب به نقره امکان داشته باشد، با این حال، زکات آن را خارج نکنند.

به طور کلی فقهای اهل سنت، زکات نقدین را به اوراق مالی و اسكناس می گسترند. در میان فقهای شیعه روزگار ما نیز، گروهی این نظر را دارند که فرقی بین پول های در گردش روزگار ما و درهم و دینار مسكوك در صدر اسلام نیست و پول اگر به حد نصاب برسد و یک سال راکد بماند، زکات دارد.

بررسی آرای فقهای شیعه و اهل سنت در موضوع تعلق زکات به نقدین:

دو نظریه وجود دارد:

۱. تنها طلا و نقره مسكوك از مصادیق نقدین هستند؛ بنابراین، جزء متعلقات زکات محسوب می شوند. این امر نظریه جمهور فقهای شیعه است. دلایل آنها روایات موجود در باره زکات در اقسام نه گانه و برخی دیگر از روایات است.
۲. پول های رایج امروزی نیز از مصادیق نقدین هستند و می توانند جزو متعلقات زکات به شمار آیند. این نظریه جمهور فقهای اهل سنت و نیز برخی از فقهای معاصر شیعه است. دلایل آنها عمومیت و اطلاقات قرآن (نظیر آیه تشریح زکات)، حکمت تشریح زکات، قائل شدن به الغای خصوصیت طلا و نقره، با

استناد به اینکه قابلیت تبدیل به نقد را دارند، ثمن قرار گرفتن برای معاملات و انجام وظایف نقدین است^{۴۱}.

زکات در چند کشور اسلامی

بیش از ۴۰ درصد جمعیت کشورهای مسلمان در فقر زندگی می‌کنند؛ زیرا از جمع آوری زکات به عنوان سازوکار مبارزه با فقر در بیشتر کشورهای مسلمان غفلت شده است. از ۵۲ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی تنها سیزده کشور، جمع آوری زکات را تا اندازه‌ای سامان داده‌اند که در این میان، فقط شش کشور یمن، عربستان، لیبی، سودان، پاکستان و مالزی زکات را براساس قانون جمع آوری می‌کنند و در هفت کشور مصر، اردن، بنگلادش، بحرین، ایران، کویت و عراق مؤسسات خاصی را برای جمع آوری زکات به طور داوطلبانه تأسیس کرده‌اند. زکات در سودان، پاکستان، یمن و مالزی برای تمام محصولات کشاورزی و میوه‌ها گرفته می‌شود، در عربستان، سودان و کویت درآمدهای حاصل از اموال سرمایه‌ای و در لیبی و سودان، فلزات و مواد معدنی را نیز مشمول زکات می‌دانند و قانون پاکستان فعالیت‌های سرمایه‌گذاری، حساب‌های پس‌انداز، اوراق قرضه و سهام در بانک‌های خصوصی را مشمول زکات کرده است.

پاکستان: بعد از استقلال پاکستان، برای مسلمانان فرصتی پیش آمد تا از فقر و محرومیت به جا مانده از حکومت استعماری رها شوند؛ از این رو دولت با ابزارهایی همچون الغای زمین‌داری و وضع محدودیت برای مالکیت خصوصی زمین و تدوین برنامه یک پارچه توسعه روستایی به ویژه برای کاستن فقر از روستاها

۴۱. محزون، طیبه، بررسی زکات و احکام فقهی آن از نظر مذاهب اسلامی و مذاهب خمسه، ص ۶۳-۸۷.

تلاش کرد، اما در هیچ یک از این ابزارها موفقیت چندانی نداشت. تجربه عملی پاکستان در باره زکات و عشر (عشر از سال ۱۹۸۳ م شروع شد) به عنوان یک ابزار ضد فقر در سیاست اقتصادی با تشکیل هیئت انتصابی زکات در سال ۱۹۸۰ م شروع شد و نظام بانکی، به ظاهر اسلامی شد و دولت شروع به اسلامی کردن اقتصاد و فرمان جمع‌آوری زکات را صادر کرد.

جمع‌آوری زکات در این کشور به دو روش انجام می‌شود: از طریق مشارکت اختیاری مردم، جمع‌آوری اجباری با کسر از اصل حساب‌هایی که در دسترس قرار دارد. موارد مشمول زکات در این کشور شامل پول نقد، وام‌های قابل دریافت، سرمایه‌تجاری معاملات، تولیدات کشاورزی و حیوانات است. تقسیم زکات توسط هیئت زکات انجام می‌گیرد؛ بدین صورت که وجوه به دست آمده را با واگذاری ابزار کار، بین افراد مستحق که از نظر بدنی سالم هستند و پرداخت نقدی به افراد مستحق که قادر به امرار معاش نیستند، تقسیم می‌کند. همچنین هیئت مذکور تأمین کمک هزینه دانش‌آموزان مستحق برای همه سطوح آموزشی را با رعایت حق تقدم با مناطق روستایی به عهده دارد. بدین وسیله در پاکستان حدود ۵۰ درصد از خانواده‌های روستایی تحت پوشش برنامه‌های کمکی زکات قرار گرفته‌اند. قانون پاکستان ۹۰ درصد از پول زکات را به فقرا اختصاص می‌دهد.

بنگلادش: در این کشور فرمان زکات در سال ۱۹۸۲ م صادر شد و با تأسیس صندوق زکات عهده‌دار جمع‌آوری آن شدند. در بنگلادش فقط از پرداخت‌کنندگان داوطلب، زکات دریافت می‌شود و دو کمیته مرکزی و بخشی، مسئولیت اجرای پروژه‌های توان‌بخشی و بهداشتی را به عهده دارند.

سودان: در سودان، «دیوان زکات» برای تمام انواع اموال و درآمدها، زکات در نظر گرفته است و به جز زکات فطریه، تمام زکات‌ها باید از طریق قانون به دولت پرداخت شود و درعین حال، قانون اجازه می‌دهد تا زکات دهنده بتواند ۲۰ درصد

از زکات خود را به مردم پرداخت کند. تعیین چگونگی توزیع و اولویت هزینه های زکات با مسئولیت «دیوان زکات» است، اداره کل اطلاعات زکات نیز روشن کردن ذهن مردم را، در رابطه با وظیفه ای که در قبال پرداخت زکات دارند عهده دار است. همچنین این اداره راهنمایی مسئولان و سرپرستان کمیته های جمع آوری زکات و تحقیقات مورد لزوم در باره آن را انجام می دهد. در سودان زکات اجباری است.

ایران: زکات در ایران اختیاری است و سازمانی در این زمینه وجود ندارد. اقلامی که زکات به آنها تعلق می گیرد و نرخ زکات، براساس نظر علمای شیعه محاسبه می شود. با توجه به اینکه استان فارس، بیشترین سطح زیر کشت را در کشور دارد، وضعیت زکات را در این استان به عنوان نمونه بررسی می کنیم:

برای مشخص کردن ظرفیت پرداخت زکات در استان فارس به داشتن اطلاعاتی در این زمینه نیاز داریم. وضعیت موجودی طلا و نقره که شامل زکات می شوند تقریباً محاسبه ناپذیر است و دام هایی که در این استان نیز از علوفه دستی تغذیه می کنند، مشمول زکات نمی شوند، اگرچه بعید نیست به همان میزان که از علوفه مراتع استفاده می کنند، مشمول زکات شوند (مانند این مسئله که گفته می شود، اگر در آبیاری گندم یا جو، هم از آب باران یا رودخانه و هم از آب دستی آبیاری شود، زکات نصف آن یک بیستم و نصف دیگر آن یک دهم است)، اقلام قابل محاسبه زکات شامل چهار محصول گندم، جو، کشمش و خرما است که با توجه به آمار سال ۱۳۸۰، اقدام به برآورد ظرفیت پرداخت زکات آنها در استان می شود. این محاسبه نشان می دهد که ظرفیت فقرزدایی از محل محصولات کشاورزی، مشمول زکات، بالغ بر ۱۲۹/۳ میلیارد ریال در سال است که می تواند وضعیت روستاها را متحول کند. بیشترین سهم ریالی زکات مربوط به محصول گندم (۷۳/۸ درصد) است، خرما، جو و کشمش به ترتیب در مراحل بعدی قرار

دارند، از میان شهرستان های استان فارس شهرستان های شیراز، مرودشت و فیروزآباد دارای بیشترین ظرفیت جمع آوری زکات در سال ۱۳۸۰ بوده اند. برای برنامه ریزی و جلب مشارکت بیشتر مردم در رابطه با زکات، دو عامل وضعیت میزان تولید محصولات کشاورزی و زمان برداشت محصول در شهرستان ها حایز اهمیت است^{۴۲}.

حسابداری زکات واحد تجاری

بحث درباره زکات به طور کلی و حسابداری زکات در محیط دانشگاهی به طور خاص، پیوسته گسترش یافته است. زکات دیگر محدود به حوزه مطالعات مذهبی نمی شود، بلکه دامنه کاربرد آن گسترش می یابد تا بیانیه هایی از دانش اجتماعی را شامل شود. از زکات معمولاً به عنوان سومین ستون اسلام نام برده می شود و همچنین بارها و بارها در قرآن و بعضی احادیث از آن نام برده شده است.^{۴۳} الکرداوی^{۴۴} می گوید: «بعضی از پژوهشگران مسلمان ادعا می کنند که زکات در هشتاد و دو جای قرآن آورده شده است» در حالی که خود الکرداوی معتقد است که «زکات در قرآن سی مرتبه ذکر شده که بیست و هفت مرتبه آن همراه با سفارش به نماز است». این شواهد بیان می کند که چقدر زکات در تعالیم اسلامی مهم است.^{۴۵}

به طور معمول زکات، به عنوان جایگزین مهم برای حل رایج ترین مشکلات

۴۲. سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان فارس، گردآوری مسائلی در مورد زکات، ص ۱-۳.

43. Akhyar Adnan & Abu Bakar, Accounting treatment for corporate zakat: a critical review: 32.

44. Al-Qardawi.

45. Al-Qardawi, Y., Hukum Zakat: 39.

اقتصادی و اجتماعی در جهان، یعنی فقر در نظر گرفته می شود. در بعضی از کشورهای مسلمان مانند مالزی و اندونزی، تلاش برای وصول زکات، قابل ملاحظه و امیدوار کننده نشان داده شده است. وصول زکات دیگر محدود به افراد (زکات دهندگان) نمی شود، بلکه گسترش یافته و سازمان های پرداخت کننده زکات مانند شرکت ها را شامل می شود.

این واقعیت که زکات، شکل مالی عبادت است، محاسبه زکات در اجرای این تعهدات را واجب می کند بنابراین حسابداری به عنوان وسیله ای برای محاسبه زکات، نقشی در تعیین مناسب و منصفانه بودن ارزیابی زکات پرداختی دارد. اهمیت حسابداری در این واقعیت است که نه تنها محدود به تعهدات زکات می شود، بلکه جنبه های دیگر زندگی بشر را نیز در بر می گیرد.^{۴۶}

ارتباط بین زکات و حسابداری باعث می شود، مباحث گسترده ای بین دانشگاهیان کشورهای اسلامی به وجود آید. این مباحث فقط محدود به مقالات و کتاب های منتشر شده در این زمینه نمی شود. این محققین شامل: المقالی^{۴۷}، الحبشی^{۴۸}، سلیمان^{۴۹}، موریسیدی^{۵۰}، خان^{۵۱}، اسلاحی و همکاران^{۵۲}، بهاری و

46. Akhyar Adnan & Abu Bakar, Accounting treatment for corporate zakat: a critical review: 33.
47. Al-Moghawli, M.H, Accounting for zakat and earnings management in Saudi Arabia.
48. Al-Habshi, S.M, Zakat recognition and measurement of business wealth: an analysis of the growth condition, In Shanmugam, B. et al.(Eds).
49. Sulaiman, Maliah bt, The influence of riba and zakat on Islamic accounting.
50. Mursyidi, Akuntansi Zakat Kontemporer.
51. Khan, M.A. Accounting issues and concepts for Islamic banks.
52. Islahi and Obaidullah, Zakah on stocks: some unsettled issues.

همت^{۵۳}، عبدالرحمن^{۵۴} و ابوبکار^{۵۵} هستند. این انتشارات اگرچه مربوط به زکات و حسابداری است، ولی بسیار کم بر رفتارهای حسابداری زکات برای سازمان های تجاری تمرکز کرده است. به هر حال با وجود ادبیات محدود، خوشبختانه تعدادی از سازمان های قانون گذار در بعضی از کشورها وجود دارد که حرکت قابل قبولی به وسیله تدوین استانداردهای حسابداری (یا حداقل رهنمودهای حسابداری) انجام دادند که ممکن است برای ارزیابی زکات واحد تجاری مفید باشد. این سازمان ها شامل سازمان های حسابداری و حسابرسی برای مؤسسات مالی اسلامی (AAOIFI)^{۵۶}، هیئت استانداردهای حسابداری مالزی (MASB)^{۵۷} و سازمان های اندونزیایی از حسابداری (IIA)^{۵۸} است. ابتکار قابل ستایش آنها به سمت اعلام و ترویج استانداردهای مربوط به زکات است که مسلماً افزایش تعداد سازمان های تجاری که این تعهدات را انجام می دهد، انگیزه ای برای تدوین چنین استانداردهایی شده است.^{۵۹}

استانداردهای حسابداری مرتبط با ارزیابی زکات شرکت ها

استانداردهای حسابداری به رهنمودهایی که برای رسیدگی به مسائل حسابداری

53. Bahari and hamat, Rethinking zakat on employment income: the case of Malaysia.
54. Abdul Rahman, Zakat accounting creating business wealth.
55. Abu Bakar, N.B, A zakat accounting standard (ZAS) for Malaysian companies.
56. Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions.
57. Malaysian Accounting Standard Board.
58. Indonesian Institute of Accountant.
59. Akhyar Adnan & Abu Bakar, Accounting treatment for corporate zakat: a critical review: 33.

مالی و گزارشگری تدوین شده‌اند، اشاره دارد. تاکنون چندین سازمان تدوین کننده استاندارد حسابداری، نگرانی‌های خودشان را در رابطه با رفتار حسابداری زکات شرکت‌ها، به وسیله انتشار استانداردهای حسابداری یا رهنمودها نشان داده‌اند. این استانداردها شامل IIA، MASB، AAOIFI می‌شود.

AAOIFI، استاندارد حسابداری مالی شماره ۹ (FAS9)^{۶۰} را صادر کرده که ویژه رویه‌های حسابداری زکات برای بانکداری اسلامی و مؤسسات مالی است. این استاندارد توسط هیئت امنای AAOIFI در نشست خود در ژوئن ۱۹۹۸ م تصویب و به طور مؤثر از اول محرم ۱۴۲۰ هـ. ق (ژانویه ۱۹۹۹ م.) به کار گرفته شد.^{۶۱}

کشور مالزی، برای اولین بار بیانیه تکنیکی (TR i-1)^{۶۲} را با عنوان «حسابداری برای زکات واحدهای تجاری» در سال ۲۰۰۶ منتشر کرد. این بیانیه از اول جولای ۲۰۰۶ م، به طور مؤثر به کار گرفته شد. اگرچه بیشتر بیانیه‌های زکات، مرتبط با واحدهای تجاری، زیر نظر حوزه قضایی SIRC قرار دارد (و بنابراین خارج از قلمرو اجرایی MASB است)، اما TR i-1 تنها بیانیه‌های گزارشگری مالی مرتبط با زکات شرکت‌ها را ارایه کرد. تصمیمات دیگری در باره زکات که یک واحد تجاری باید اتخاذ کند (مانند بیانیه‌های هزینه‌بری زکات،^{۶۳} محاسبه، تعیین مبنای زکات و واجد شرایط بودن دارایی‌ها و بدهی‌ها) و نتایج آن باید هماهنگ با مرکز زکاتی که در استاندارد مشخص شده، عمل کند. در اندونزی بر طبق Sriyanto، مدیر فنی AAIS، استانداردهایی را در ماه مارس ۲۰۰۸ م صادر کرد.

60. Financial Accounting Standard.

61. Akhyar Adnan & Abu Bakar, Accounting treatment for corporate zakat: a critical review: 34.

62. Technical Release i-1.

63. chargeability.

به هر حال برخلاف استاندارد شماره ۹ (AAOIFI FAS) و بیانیه (MASB، TR i-1)، استاندارد حسابداری اندونزی به طور عمده، برای همسان سازی حساب های زکات مؤسساتی که در کشور وجود دارد، خواه به شکل عمومی (توسط دولت تأسیس شود) یا سازمان های خصوصی، پرداخته است. دلیل اصلی برای طراحی استاندارد حسابداری برای زکات، با هدف زکات واحدهای تجاری این است که شورای علمای اندونزی، زکات دهندگان را افراد می داند نه شرکت ها. شرکت ها و مؤسسات تجاری بر این اساس، متعهد به پرداخت زکات نیستند. در باره بانکداری اسلامی، آنها مجاز به وصول زکات (از مشتریان و کارکنان) و توزیع مناسب آن هستند.^{۶۴}

به علت شرایط پیش گفته در ادامه، به بررسی استاندارد شماره ۹ (FAS) و (MASB TRI-1) می پردازیم.

رویه حسابداری برای زکات شرکت ها

استانداردهای حسابداری به طور کلی برای رسیدگی به بیانیه های اساسی از جمله تعریف، طبقه بندی، شناسایی، اندازه گیری، ارائه و افشا استفاده می شود. طبق AAOIFI زکات به معنای برکت و رحمت، خالص سازی، افزایش و تهذیب کارهای خیر است. در شریعت زکات تعهدی است در رابطه با وجوه پرداخت شده برای اهداف مشخص شده و طبقات خاص. همچنین دولت ممکن است، سهامداران را به پرداخت زکات به طور مشخصی مجاز کند، البته اگر مطمئن شود که آنها زکات را پرداخت خواهند کرد.^{۶۵}

64. Akhyar Adnan & Abu Bakar, Accounting treatment for corporate zakat: a critical review: 34.

65. Ibid: 35.

FAS9 و AAOIFI استانداردهایی را ارائه می کنند که اساساً مبنایی برای مؤسسات مالی اسلامی است و ممکن است برای دیگر واحدهای تجاری قابل اجرا نباشد. ^{۶۶، ۶۷} TR i-1 و MASB بر استانداردهای حسابداری که تنها برای واحدهای تجاری است تمرکز دارد؛ به این معنا که توسط هر شرکتی در هر صنعتی که وجود دارد، می تواند استفاده شود. ^{۶۸}

MASB زکات را به عنوان «همکاری فرد با حکومت اسلامی، بر مبنای دارایی های خاص که متعلق به یک مسلمان، ارزیابی می شود و به طبقات خاصی از ذی نفعان توزیع می شود» تعریف می کنند، در حالی که زکات بر واحد تجاری به «همکاری تعهدآوری است که بر مبنای دارایی های یک شرکت که متعلق به هر واحد تجاری است و دارای شرایط خاصی است و بین گروه های ذی نفع خاص توزیع می شود» تعریف می شود. ^{۶۹}

بررسی تعاریف ارائه شده به وسیله FAS9 و TR i-1 نشان می دهد که تعریف اولی جامع تر و مفهوم درست تری از زکات ارائه می کند، ولی تعریف دوم، تکنیکی است.

هر دو بیانیه FAS9 و TR i-1 طبقه بندی و شناسایی کاملاً مشابهی از حساب زکات ارائه می کنند. FAS9 زکات را به عنوان هزینه غیر عملیاتی که در تعیین سود خالص، در صورت سود و زیان ارائه می شود، تلقی می کند. همچنین TR i-1، زکات را به عنوان یک هزینه، در صورت سود و زیان در دوره ای که تحقق پیدا کرده، گزارش می کند هر چند معاملات و نتایج آنها، برای مفهوم هزینه در

66. Abdul Rahman, A.R, Zakat accounting creating business wealth.

67. Abu Bakar, N.B, A zakat accounting standard (ZAS) for Malaysian companies .

68. MASB, Technical Release i-1 (TR i-1): Accounting for Zakat on Business.

69. Ibid.

حسابداری مطلوب است، اما پیش بینی خوبی به قصد بیان معنی پرداخت زکات ارائه نمی کند. ^{۷۰}

دومین بیانیه به اندازه گیری و تعیین زکات توجه می کند. FAS9 دو روش متفاوت را ارائه می کند، هر دو روش منتج به نتایج یکسانی می شود، به علت مبانی ارزشیابی متفاوت اقلام ارائه شده جداگانه، طبقه بندی و ارزیابی می شود. اولین روش با عنوان روش خالص دارایی، شناسایی می شود که برمبنای فرمول زیر است. (بند ۳)

مبنای زکات = دارایی هایی که موضوع زکات هستند - بدهی های پرداخت نشده تا آخرین تاریخ صورت وضعیت مالی + حقوق متعلق به سازمان های غیرانتفاعی به استثنای دارایی هایی که متعلق به افراد است + حقوق متعلق به خیریه + حقوق متعلق به وجوه اهدایی + حقوق متعلق به دولت + منافع اقلیت + حساب سرمایه گذاری بدون محدودیت. ^{۷۱}

دومین روش با عنوان خالص وجوه سرمایه گذاری شده نامیده می شود. در این حالت فرمول یا مبنای زکات باید براساس مبنای زیر محاسبه شود. (بند ۷)

مبنای زکات = سرمایه پرداخت شده + اندوخته ها + مقرراتی که از دارایی کسر نمی شود + سود انباشته + سود خالص + بدهی هایی که پرداخت نشده اند - (خالص دارایی های ثابت + سرمایه گذاری هایی که برای تجارت تحصیل نشده اند، مانند املاک برای اجاره + زیان انباشته). ^{۷۲}

TR i-1 و MASB نیز دو روش را برای ارزیابی زکات توصیه می کنند: روش

70. Akhyar Adnan & Abu Bakar, Accounting treatment for corporate zakat: a critical review: 35.

71. Ibid: 36.

72. Ibid: 35.

سرمایه در گردش تعدیل شده و روش رشد تعدیل شده.

اولین روش ارزیابی زکات، بر مبنای خالص دارایی های جاری، تعدیل اقلامی که طبق شرایط برای دارایی ها و بدهی هایی که مشمول زکات نمی شود محاسبه می شود.

دومین روش (سود تعدیل شده) زکات را بر مبنای حقوق صاحبان سهام و بدهی های بلندمدت منهای اموال، زمین و تجهیزات و دارایی های غیرجاری و تعدیل اقلامی که توسط سازمان های معتبر، مرتبط با زکات نمی باشد ارزیابی می کند. این تأکید وجود دارد که واحد تجاری، هر روشی را که انتخاب می کند باید به طور ثابت از دوره ای به دوره بعد به کار گیرد، اگرچه هر دو روش به نتایج یکسان برای مقدار زکات منجر می شود^{۷۳}.

بیانیه سوم درباره ارائه اطلاعات است. FAS9 از AAOIFI مشخص کرده است که ارایه زکات به دوشروط بستگی دارد. به عبارت دیگر یا بانک اسلامی متعهد به پرداخت زکات است و یا متعهد به پرداخت زکات نیست.

در حالت اول، مواقعی که بانک اسلامی موظف به پرداخت زکات است، زکات را باید به عنوان هزینه غیر عملیاتی در نظر گرفت و در تعیین سود خالص در صورت سود و زیان به حساب آید، در مقابل زکات پرداخت نشده را باید به عنوان بدهی در نظر گرفت و در قسمت بدهی ها در صورت وضعیت مالی بانک اسلامی ارائه کرد. به علاوه بخش ۲-۲-۳ از FAS9 بیان می کند که: زکات بانک اسلامی و همچنین مقادیری از زکات دریافت شده از منابع دیگر باید در صورت منابع و مصارف وجوه، در بخش زکات و وجوه خیریه ارائه شود. (بند ۱۲)

در MASB و TR i-1 ارائه زکات را در بند ۱۵ بیان می کند: مقداری از زکات تعیین شده برای دوره جاری باید به عنوان یک قلم به ارزش اسمی، در

73. MASB, Technical Release i-1 (TR i-1): Accounting for Zakat on Business.

صورت سود و زیان ارائه شود.^{۷۴}

چهارمین بیانیه که مربوط به افشا است، در این رابطه FAS9، هشت بند درباره افشا قرار داده است که شامل تعهد به ایجاد دسترسی در یادداشت های همراه صورت های مالی است:

۱. روش های استفاده شده برای تعیین مبنای زکات و اقلامی که در این مبنا شامل می شود. (بند ۱۳)

۲. حاکم بودن نظر هیئت ناظران مذهبی بر بانک اسلامی، برای مسائل و بیانیه های مرتبط با زکات که در این استاندارد شامل نشده است. (بند ۱۴)

۳. آیا بانک اسلامی به عنوان شرکت اصلی، سهم خود را از تعهدات زکات، در شرکت فرعی خود می پردازد یا نه؟ (بند ۱۵)

۴. مبلغ زکات که از هر سهم ناشی می شود. (بند ۱۶)

۵. مبلغ زکات که از حساب سرمایه گذاران ناشی می شود. (بند ۱۷)

۶. آیا بانک اسلامی، زکات را وصول و از طرف دارندگان حساب های سرمایه گذاری و دیگر حساب ها پرداخت کرده است؟ (بند ۱۸)

۷. محدودیت های اعمال شده به وسیله هیئت ناظران مذهبی بر بانک اسلامی، در تعیین مبنای زکات. (بند ۱۹)

۸. علاوه بر این، در آخرین پاراگراف (پاراگراف ۲۰) از الزامات افشا بیان می کند: «نیاز به رعایت کردن FAS شماره ۹ با عنوان کلیات ارائه و افشا در صورت های مالی از بانک های اسلامی و مؤسسات مالی».^{۷۵}

74. Akhyar Adnan & Abu Bakar, Accounting treatment for corporate zakat: a critical review: 36.

75. MASB, Financial Reporting Standard i-1 (FRS i-1): Presentation of Financia Statements of Islamic Financial Institutions.

الزامات افشا، در بندهای ۱۶ و ۱۷ بیانیه TR i-1 و MASB بیان شده است. این الزامات بسیار ساده تر از قواعدی است که توسط FAS ۹ ارائه شده است؛ برای مثال بیان می کند که واحد تجاری باید در یادداشت های همراه صورت های مالی، روش استفاده شده در تعیین مبنای زکات، مسئولیت هایش در پرداخت زکات بر واحد تجاری، اجزای عمده زکات افشا شود. پیش از این گفته شد، اجزای زکات ممکن است شامل هزینه های جاری زکات، پرداخت، بدهی ها و هر تعدیلی شود که در این دوره، برای زکات دوره قبل شناسایی شده است.^{۷۶}

بررسی بعضی از مفاهیم

بعد از مرور بیانیه های مرتبط با تعریف و طبقه بندی حساب ها، شناسایی، اندازه گیری، ارائه و افشا، در ادامه این بیانیه ها، چارچوب ابعاد مفهومی آنها را بررسی خواهیم کرد:

تعریف و طبقه بندی: اگرچه در FAS9 از AAOIFI تنها در پیوست به تعریف زکات اشاره کرده است، اما این بیانیه به طور کلی، تعاریف به کار رفته در آغاز استاندارد را، به عنوان مرجع مهم پذیرفته است. تعریف زکات را که توسط AAOIFI فراهم شده، می توان به عنوان تعریف عملیاتی و منعکس کننده ماهیت زکات در نظر گرفت.

با وجود این که تعاریف مناسبی از زکات ارائه شده است، متأسفانه پرداخت زکات، به طور نامناسب به عنوان «هزینه» در بعضی استانداردها در نظر گرفته می شود. این طرح که زکات پرداخت شده را به عنوان یک «هزینه» در نظر گرفته در حقیقت، مخالف با ماهیت و روح زکات است. دلایل این گفته به شرح زیر است:

76. Akhyar Adnan & Abu Bakar, Accounting treatment for corporate zakat: a critical review: 37.

اولین دلیل، مربوط به مفهوم مالکیت در اسلام است؛ اینکه مالک حقیقی هر چیز در این جهان، فقط خداوند است خیلی واضح است.

مالکان، فقط امانت‌داران دارایی هستند و به طور مداوم این واقعیت را که آنها تنها نمایندگان ساده‌ای هستند که از طرف خدا برای اداره دارایی‌هایشان منصوب شده‌اند، یادآوری می‌کند.^{۷۷} علاوه بر این زکات، به معنای تهذیب ثروت پرداخت‌کننده است؛ زیرا جزئی از ثروت‌هایشان غیر واقعی و برخی واقعی است، پس لازم است بخشی از آن به دیگران تحویل داده شود.^{۷۸} بنابراین مباحث پرداخت زکات صرفاً تظاهر به اطاعت از دستورالعمل‌های صریح خداوند برای سپردن موقتی ثروت، به مالک مشروع آن است. بنابراین زکات را به عنوان هزینه، در هر روشی نمی‌توان در نظر گرفت.

به هر حال، لازم به توجه است که اگر فردی به ثروت و مالکیت شرکت، از جنبه‌های مرسوم و عادی توجه کند، به طور کامل و منحصرأ به سهامدارانش تعلق دارد و رویه حسابداری جاری از زکات، مناسب خواهد بود؛ زیرا پرداخت زکات، مالک را از وجوه محروم می‌کند. بنابراین باید به طور مناسب به عنوان هزینه کاهش درآمد در دسترس برای پرداخت سود تقسیمی سهامداران نشان داده شود.

توجیه دیگر، تعریف خود زکات است. در مباحث اخیر، یکی از معانی لغوی زکات «رشد» و «افزایش» است. رشد از جنبه‌های گوناگون قابل توجه است که هم شامل رشد روحی (روانی) و هم رشد مادی می‌شود. علاوه بر این در قرآن^{۷۹} خداوند زیاد شدن ثروت پرداخت‌شده در راه او را (که شامل زکات می‌شود) به هفتصد برابر توصیف کرده است. این مسئله واقعاً مورد تأیید خیلی از

77. Adnan, M.A, The Shariah, Islamic bank and accounting concepts.

۷۸. اسراء، آیه ۲۶؛ توبه، آیه ۱۰۴.

۷۹. بقره، آیه ۲۶۱.

اقتصاددانان مسلمان است.^{۸۰} زعیم معتقد است که «زکات اثر چند برابری (افزایشی) بر اقتصاد دارد». گفته می‌شود زکات، می‌تواند به تدریج فقر و بیکاری را از بین ببرد و به واسطه آن درآمد و در نتیجه استانداردهای زندگی افزایش می‌یابد و در نهایت حجم انباشته‌ای از وصول زکات افزایش می‌یابد.^{۸۱}

بعضی از محققان معتقدند که این افزایش، در ثروت پرداخت‌کننده زکات اتفاق خواهد افتاد. به عبارت دیگر، اجرای صادقانه تعهدات زکات، باعث افزایش ثروت می‌شود. به سادگی هر دارایی یا مبلغ پرداختی به عنوان زکات، با اهمیت خاصی افزایش آن وعده داده شده است و در جنبه‌های مختلف معنوی، روحانی، مالی به نفع پرداخت‌کننده و در نهایت، کل اقتصاد است. ماهیت متمایز زکات، این اجازه را نمی‌دهد که با آن صرفاً به عنوان هزینه رفتار کرد؛ زیرا این دو مفهوم مختلف هستند.

سومین توجیه در ارتباط با تصدیق و بیان خوب، احادیثی است که از پیامبر(ص) نقل شده است. پیامبر(ص) می‌فرماید: «همه پاداش‌ها بعد از مرگ قطع می‌شود به جز سه چیز: صدقه جاریه (شامل زکات می‌شود)، دانش مشترك و به کارگیری آن توسط دیگران و دعا برای پدر و مادر». این حدیث به طور غیر مستقیم نشان می‌دهد که هیچ تشابهی بین زکات و دیگر پرداخت‌ها وجود ندارد.^{۸۲} پرداخت زکات، بر مبنای ارزش دارایی‌های واقعی پرداخت‌کننده است؛ بنابراین در نظر گرفتن زکات پرداخت شده، مانند دیگر پرداخت‌ها قابل پذیرش

80. Akhyar Adnan & Abu Bakar, Accounting treatment for corporate zakat: a critical review: 36.

81. Zaim, S., Recent interpretation on economic aspect of zakah in Imtiaz, I.A. et al.(Eds).

82. Akhyar Adnan & Abu Bakar, Accounting treatment for corporate zakat: a critical review: 38.

نیست. زکات، منحصر به فرد و در مفهوم و کاربردهایش متمایز است. علاوه بر این، ارائه نامناسب زکات به عنوان هزینه را می توان از طریق تجزیه و تحلیل کامل مفهوم هزینه با درک عمومی حسابداری نشان داد.

از نظر حسابداری، تعاریف زیادی از هزینه وجود دارد. شاید در ساده ترین تعریف، آن را هر هزینه ای دانست که واحد تجاری در نتیجه فعالیت های کسب درآمد متحمل می شود. بدیهی است که نمی توان زکات را به عنوان هزینه، طبقه بندی کرد؛ زیرا نتیجه آن کسب درآمد نیست. تعریف دیگری از هزینه به صورت زیر است:

۱. پول صرف شده به وسیله شرکت، برای ادامه عملیات در حال اجرا؛

۲. پول صرف شده یا هزینه های تحقق یافته که کسر می شوند و مالیات بر درآمد را کاهش می دهند.

توجه: هزینه، مخالف درآمد است. هزینه هایی که قابلیت کسر کردن، نداشته باشد، «مخارج سرمایه ای» نامیده می شوند که باید مستهلک شوند. مجدداً، این مشکل دیده می شود که چگونه زکات می تواند متناسب با تعریف فوق هزینه شود؛ زیرا زکات، نه با هدف ادامه عملیاتی که در حال اجرای واحد تجاری است، پرداخت می شود و نه به معنای مخارج سرمایه ای است. همچنین زکات را از پرداخت هایی که فقط از درآمد کسر می شوند نمی توان در نظر گرفت؛ زیرا پرداخت زکات بر مبنای دارایی هاست؛ به این معنا که در شرایط خاص، اگرچه شرکت درآمدی از جمع ارزش خالص دارایی هایی که به حد نصاب رسیده اند به دست نیاورده، ولی به هر حال باید زکات را پردازد.^{۸۳}

تعاریف دیگر از هزینه را (همان طور که به مرور زمان تکامل می یابند)

می توان به صورت زیر بیان کرد:

83. Ibid.

هزینه کاهش خالص دارایی‌ها نتیجه استفاده از خدمات اقتصادی در ایجاد درآمدها یا تحمیل مالیات به وسیله واحدهای دولتی (۱۹۵۵م، AICPA، ARSN3) هزینه به طور گسترده، شامل همه بهای تمام شده منقضى شده‌ای است که از درآمدها کسر می‌شوند.^{۸۴} هزینه‌های کاهش ناخالص در دارایی‌ها یا افزایش ناخالص در بدهی‌ها که طبق اصول پذیرفته شده حسابداری شناسایی و اندازه‌گیری می‌شود.^{۸۵}

هزینه‌ها، خروجی‌هایی هستند که از استفاده دارایی‌ها یا تحمیل بدهی‌ها (یا ترکیبی از هر دو) در طول دوره تحویل یا تولید کالا، ارائه خدمات یا انجام فعالیت‌های دیگری است که عملیات کلی واحد تجاری را تشکیل می‌دهد.^{۸۶} هزینه، کاهش در منافع اقتصادی در طول دوره حسابداری، در شکل خروجی یا تهی‌سازی دارایی‌ها یا تحمل بدهی‌هایی که نتیجه کاهش در واحد تجاری در توزیع بین شرکای واحد تجاری متفاوت است.^{۸۷}

تنها مبنای بحث این است که زکات را به عنوان هزینه می‌دانند؛ زیرا پرداخت زکات، دارایی‌ها را کاهش می‌دهد یا بدهی‌ها را افزایش می‌دهد یا ترکیبی از هر دو حتی برای این نوع از مباحث در نظر گرفتن زکات به عنوان هزینه، نامناسب است؛ زیرا هدف زیربنایی که پشت پرداخت زکات است، از نظر ماهیت متمایز است و معادل تعاریف ارائه شده از هزینه نیست.

بنابراین تعاریف ارائه شده از هزینه، در تفکر حسابداری غالب قرار دارد. طبقه بندی حساب زکات می‌تواند از انتشار چارچوب مفهومی که توسط سازمان‌های حسابداری اسلامی مانند AAOIFI از هزینه ارائه می‌کند به دقت، پیروی کند که به شرح زیر است:

۸۴. اصطلاحات حسابداری، بولتن شماره ۴، AICPA، بند ۳۱.

۸۵. هیئت اصول حسابداری، بیانیه شماره ۴، بند ۱۳۴.

86. SFAC, FASB, no.6, para: 80.

87. Framework, para7, in Godfrey, Accounting Theory.

هزینه کاهش ناخالص در دارایی‌ها یا افزایش در بدهی‌ها یا ترکیبی از هر دو در طی دوره‌ای که صورت سود و زیان را پوشش می‌دهد که نتیجه سرمایه‌گذاری مشروع، مدیریت سرمایه‌گذاری، تجارت و دیگر فعالیت‌های بانک اسلامی ارائه خدمات می‌کند.

برخلاف تعاریف ارائه شده از منابع مرسوم فوق، AAOIFI خصوصیات زیر به تعریف هزینه اضافه شده است:

* کاهش ناخالص در دارایی‌ها یا افزایش ناخالص در بدهی‌ها نباید نتیجه توزیع وجوه به سرمایه‌گذاران، مالکان، برداشت‌ها یا سپرده‌ها از دارندگان حساب سرمایه‌گذاری بدون محدودیت یا معادل آنها یا برداشت‌ها یا واریزهایی به وسیله دارندگان دیگر حساب‌های غیر سرمایه‌گذاری باشد.

* کاهش ناخالص در دارایی‌ها یا افزایش ناخالص در بدهی‌ها باید خصوصیتی مشابه با دارایی‌ها و بدهی‌ها داشته باشد.

* کاهش ناخالص در دارایی‌ها یا افزایش ناخالص در بدهی‌ها باید به دوره‌ای که صورت سود و زیان آن را پوشش می‌دهد، مربوط باشد.

همان‌طور در مباحث اخیر بیان شد که پرداخت زکات، حقیقتی از انتقال موقت ثروت به مالک واقعی است. اولین معیار بیان شده در بالا نمی‌تواند به طور کامل با مفهوم زکات تطابق داده شود. به عبارت دیگر، طبقه‌بندی زکات به عنوان هزینه (عملیاتی یا غیر عملیاتی) قابل پذیرش در اسلام نیست.^{۸۸}

طبقه‌بندی که در TR i-1، MASB و FAS9 ارائه شده، رد می‌شود. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چه رویه‌ای از زکات مناسب است؟

88. Akhyar Adnan & Abu Bakar, Accounting treatment for corporate zakat: a critical review: 39.

شناسایی و اندازه‌گیری زکات

اصل شناسایی در حسابداری در بیانیه شماره ۲، SFA به معنای تعیین زمان ثبت یک مبادله، تعریف شده است. FAS شماره ۹ ضوابط مشخصی در شناسایی حسابداری زکات بیان نکرده است، ولی به هر حال، می‌توان براساس اصول حد نصاب و دوره زمانی، مفهوم شناسایی را برای حسابداری زکات به کار برد. به عبارت دیگر، شناسایی زکات، موضوعی است که به واسطه الزامات حد نصاب و دوره زمانی محقق می‌شود.

به طور کلی، اندازه‌گیری در حسابداری زکات، درباره تعیین مقدار آن است که پرداخت کننده زکات مسئول پرداخت آن است. هر دو بیانیه FAS9 و TRi-1 دو روش متفاوت را پیشنهاد می‌کنند. این دو هیئت حسابداری همچنین بیان می‌کنند که هر دو روش، نتیجه یکسانی را برای مبنای زکات فراهم می‌کند. (حساب‌هایی که به طور دوره‌ای رفتار ثابت و یکسانی با آنها می‌شود) تنها عدم تجانس بین هر دو روش ارائه شده در این است که FAS9 برای مؤسسات مالی اسلامی است، در حالی که TRi-1 می‌تواند برای هر شرکت تجاری به کار رود. ماهیت روش‌های ارائه شده به وسیله هر هیئت حسابداری به نظر می‌رسد که قابل مقایسه است، اگرچه عناوین آنها متفاوت است.

روش خالص وجوه سرمایه‌گذاری شده به وسیله FAS9 یا روش رشد تعدیل شده به وسیله TRi-1 را در نظر بگیرید. مبنای زکات در هر روش بر مبنای ارزش حساب سرمایه تعیین می‌شود که شامل درآمد حاصل سالانه است. بنابراین لازم است که صورت سود و زیان ابتدا آماده شود، مگر آنکه زکات را نتوان بر مبنای آن اندازه‌گیری کرد. تناقضی که وجود دارد این است که زکات را در خیلی از استانداردها به عنوان هزینه، در نظر می‌گیرند و همان طور که می‌دانیم هزینه‌ها بخش عمده‌ای از صورت سود و زیان است. بنابراین واضح نیست که آیا در

محاسبه سود خالص «هزینه زکات» را باید در نظر گرفت یا نه. تلاش هایی برای منطقی کردن این دو روش وجود دارد: اول اینکه زکات پرداخت شده، متعاقباً در ارزش سود خالص کاهش می یابد. سؤالی که مطرح است این است که از چه مبنایی برای مقادیر زکات باید استفاده شود؟

روش دیگر این است که هزینه زکات در محاسبه سود خالص محاسبه نشود، به این معنا که عدد سود خالص قبل از زکات است که احتمالاً مبنای محاسبه زکات قرار می گیرد. در این مورد، بعضی از اجزای استانداردها (FAS9 و TRi-1) نادیده گرفته می شود^{۸۹}.

نحوه گزارشگری زکات

اصطلاح ارائه زکات به این بستگی دارد که آیا هزینه غیر عملیاتی است یا هزینه عملیاتی، هر دوی TRi-1 و FAS9، بیان می کنند که زکات به عنوان حساب هزینه ارائه شود؛ به این معنا که زکات در صورت سود و زیان ارائه شود. زکات پرداخت نشده بر طبق FAS9، باید به عنوان بدهی با آن برخورد کرد و در قسمت بدهی ها در صورت وضعیت مالی بانک اسلامی ارائه کرد. علاوه بر این FAS9 بانکهای اسلامی را ملزم به ارائه صورت منابع و مصارف وجوه زکات و وجوه خیریه کرده است (بند ۲۱).

الزام موارد ذکر شده، این نتیجه را بیان می کند که زکات را شبیه هزینه در نظر می گیرد. به هر حال، به علت رویه های ارائه شده به وسیله FAS9 و TRi-1 قابل پذیرش نیست و گزارشگری باید تعدیل شود.

بر مبنای دیدگاه حسابداری اسلامی، زکات می تواند به عنوان یک نوع کمک نه به عنوان هزینه، شناسایی شود. اقلامی که در صورت های مالی با دیدگاه کمک

89. Ibid: 40.

سازگارتر است، سود سهام است. بنابراین باید روش مناسبی را که برای ارائه سود سهام استفاده می‌شود، به کار گرفت. سود سهام طبق پذیرش عمومی در گروه حساب‌های حقوق صاحبان سهام ارائه می‌شود. توزیع سود سهام به عنوان یک قلم، کاهنده حقوق صاحبان سهام یا به ویژه کاهنده سود انباشته ارائه می‌شود. این روش ارائه، در سطح مفهوم اندازه‌گیری است که زکات باید بر مبنای خالص وجوه سرمایه‌گذاری (دومین روش ارائه شده به وسیله FAS9 یا روش رشد تعدیل شده که i-1 TR) ارائه شده است.^{۹۰}

افشا

افشا به معنای فراهم کردن تمام اطلاعات با اهمیت مورد نیاز استفاده‌کننده صورت مالی است.^{۹۱} و FAS هشت الزام مورد نیاز برای افشا در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی بانک‌های اسلامی و مؤسسات مالی را ارائه کرده، از طرف دیگر i-1 TR، الزامات ساده‌تری را برای افشا ارائه کرده است.

بررسی الزاماتی که هر دو هیئت حسابداری ارائه کرده‌اند، منطقی و قابل پذیرش است. این الزامات راضی‌کننده و قابل پیش‌بینی است. تنها مشکلی که با الزامات افشا به وجود می‌آید، این است که قبول و یا تعهد سازمان‌های پرداخت‌کننده زکات به این الزامات است. خیلی از شرکت‌ها در مالزی فقط زکات را به عنوان هزینه در نظر می‌گیرند و هیچ افشای تفصیلی را که مورد نیاز استاندارد موجود است، فراهم نمی‌کنند. بدیهی است این یکی از چند مسئله‌ای است که نیاز به حل آن از طرف سازمان‌های توانمند در آینده نزدیک دارد به ویژه تلاش‌های

90. Ibid: 41.

91. SFA, No.20, para:130.

آنها به سمت بالابردن افشا در صورت های مالی شرکت است. ۹۲

حسابداری زکات تجاری در مالزی

سازمان توسعه اسلامی مالزی (JAKIM) کتابی را در سال ۲۰۰۱م به عنوان «Panuan zakat di Malaysia» منتشر کرد. طبق این کتاب، دوروش برای حسابداری زکات اسلامی پیشنهاد شده است:

اولین روش، urifyyah است. این روش به عنوان تعدیل رشد سرمایه، با در نظر گرفتن سرمایه مالکیت در شرکت خاص و دیگر منابع مالی، معادله آن به صورت زیر است:

سرمایه + سرمایه گذاری بلند مدت - دارایی های ثابت - دارایی های غیر جاری ± تعدیلات

دومین روش، syariyyah است. این روش که به عنوان «تعدیل سرمایه در گردش» نامیده می شود، دارایی جاری را در نظر می گیرد و بدهی های جاری را از آن کسر می کند و تعدیلات به وسیله اضافه یا کسر کردن اقلام مشخص اعمال می شود:

دارایی جاری - بدهی ها ± تعدیلات

تفاوت بین دو روش، به وسیله معادله زیر می تواند ثابت شود:

سرمایه + بدهی های بلند مدت - دارایی های ثابت - دارایی غیر جاری =

دارایی جاری - بدهی جاری

هر دوروش ذکر شده نتایج یکسانی می دهد؛ زیرا از ترازنامه یکسان گرفته

شده است. به هر حال، بیشتر شرکت ها در مالزی از روش «تعدیل سرمایه در

92. Akhyar Adnan & Abu Bakar, Accounting treatment for corporate zakat: a critical review: 41.

گردش» استفاده می کنند. بعضی از تعدیلات مورد نیاز عبارتند از:

اول- کسر کردن از دارایی جاری: برای این مورد دارایی جاری با مالکیت محدود و بدون بازدهی مثال هایی هستند که باید آنها را در نظر گرفت.

دوم- اضافه کردن به دارایی جاری: همه بخشش ها برای اهداف خیرخواهانه و خرید دارایی ثابت این اقسام لازم است تا به دارایی های جاری اضافه شود.

سوم- اضافه کردن بدهی های جاری: بدهی های جاری که می تواند کسر شود، فقط دارای ماهیت عملیاتی هستند که شامل بستانکاران، پرداخت های عملیاتی مانند حقوق، برق، تلفن، مالیات. بنابراین پرداخت های غیر عملیاتی، سود سهام پرداخت و دریافتی بیش از اعتبار، مجاز به کسر کردن نیست و اصولاً به بدهی های جاری اضافه می شود.^{۹۳}

چالش پیش رو: نداشتن امکان مقایسه پذیری

مسئله دیگری که لازم است به آن اشاره شود، امکان نداشتن مقایسه پذیری در حساب های شرکت های مورد نیاز برای پرداخت زکات ارائه شده است. بنابراین باید در روش های حسابداری، جایگزینی برای زکات واحد تجاری ارائه شود و واحدهای تجاری از آن پیروی کنند. همچنین باید یک مکانیزم و انگیزه ای برای استانداردگذاری این سیستم وجود داشته باشد. این انگیزه ممکن است از طریق استانداردهای حسابداری زکات (ZAS) که رویه های حسابداری برای زکات شرکت ها را تعیین می کند، برآورده شود.^{۹۴}

این انتظار وجود دارد که ZAS یکنواختی و قابلیت مقایسه گزارش های

93. MASB, Technical Release i-1: Accounting for Zakat on Business.

94. Akhyar Anan & Abu Bakar, Accounting treatment for corporate zakat: a critical review: 42.

واحدهای تجاری با دیگران و با صنایع مرتبط را فراهم کند.^{۹۵} این یکنواختی و قابلیت مقایسه، به فرایند حسابرسی حساب های زکات کمک می کند.^{۹۶} کاربرد مثبت دیگر از انتشار ZAS این است که این استاندارد ممکن است سبب افزایش در وصول مقدار زکات واحد تجاری شود.^{۹۷} به هر حال، شواهد تجربی برای حمایت از این بیانیه وجود ندارد.

نتیجه

اسلام، دین جامع و فراگیری است و به تمام ابعاد زندگی انسان نظر دارد، مسئله فقر و فقیر را از نظر دور نداشته و برای مقابله با این آفت اجتماعی، دستورهایی به مسلمانان داده و اموری را برایشان واجب ساخته است؛ یکی از این واجبات، زکات است؛ با تفصیلی که در شریعت آمده است، به حل این مشکل کمک بسیار می کند. با توجه به اهمیت زکات و تأکید دین اسلام به اجرای آن، بسیاری از کشورهای اسلامی آن را اجرا نمی کنند و یا به صورت اختیاری اجرا می کنند. این ناهماهنگی در زمینه اجرای حسابداری زکات، مشکل عدم مقایسه صورت های مالی بین کشورها را فراهم می سازد.

متأسفانه در ایران تحقیقات کمی در زمینه شیوه محاسبه و اندازه گیری زکات انجام شده است که ضرورت انجام این گونه تحقیقات، لازم به نظر می رسد و این تحقیقات زمینه تدوین استاندارد حسابداری برای زکات را فراهم می سازد. با توجه به اینکه در کشورهای اسلامی زکات جزو واجبات به شمار می رود، پیشنهاد

95. Abdul Rahman, A. R, Zakat accounting business wealth; Abu Bakar, N. B, A zakat accounting standard (ZAS) for Malaysian companies.

96. Abdul Rahman, A. R, Pre-requisites for effective integration of zakah into Islamic financial system in Malaysia: 92.

97 . Abu Bakar, N. B, A zakat accounting standard (ZAS) for Malaysian companies.

می شود که سازمان های بین المللی کشورهای اسلامی، این موضوع و روش های حسابداری زکات را بحث و بررسی کنند تا مشکل عدم قابلیت مقایسه صورت های مالی در باره زکات، بین کشورهای اسلامی رفع شود.

منابع و مآخذ

۱. سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان فارس، «گردآوری مسائلی در مورد زکات». اینترنت. www.mpo_fr.gov.ir/cms2/info.asp?id202
۲. محزون، طیبه: ۱۳۸۰ «بررسی زکات و احکام فقهی آن از نظر مذاهب اسلامی و مذاهب خمسه»، پایان نامه کارشناسی ارشد.
3. August Abdul Rahman, A.R., "Zakat accounting creating business wealth", Akauntan Nasional, 2002.
4. Abdul Rahman, A.R., "Pre-requistites for effective integration of zakah into mainstream Islamic financial system in Malaysia", Islamic Economic Studies, Vol.4, No.2, 2007.
5. Abu Bakar, N.B., "A zakat accounting standard (ZAS) for Malaysian companies", American Journal of Islamic Social Sciences, Vol.24, No.4, 2007.
6. Adnan, M.A., "The Shariah, Islamic bank and accounting concepts", Journal Akuntansi dan Auditing Indonesia, Vol.1, No.1, 1997.
7. Akhyar Adnan, Muhammad; Abu Bakar Nur Barizah, "Accounting treatment for corporate zakat: a critical review" International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance

- and Management, Vol.2, No.1, 2009.
8. Al-Habshi, S.M., "Zakat recognition and measurement of business wealth: an analysis of the growth condition, In Shanmugam, B. et al. (Eds)", Issues in Islamic Accounting, Univercity Puatra Malaysia Press, Serdang, 2005.
 9. Al- Moghaiwli, M.H., "Accounting for zakat and earnings management in Saudi Arabia", Journal of Accounting, Accountability and performance, Vol.7, No.1, 2001.
 10. Al-Qardawi, Y., "Hukum Zakat", Litera Antar Nusa, Jakarta, 2004.
 11. Bahari, Z. and Hamat, Z., "Rethinking zakat on employment income: the case of Malaysia" Paper Presented at 6th ASEAN Inter-Univercity Seminars on Social Development, Penang, May 2004.
 12. Baydoun, N. and R. Willett., "Islamic Accounting Theory", Proceeding of AAANZ Annual Conference, Sydney, Australia, 1994.
 13. El-Badawi, M.H. and S.M. Al-Sultan., "Net Working Capital versus Net Owner's Equity Approches to Computing Zakatable Amount: A Conceptual Comparison and Application" TheAmerican Journal of Islamic Social Sciences, Vol.9, No.1, 1992.
 14. Gambling, T. and R.A.A. Karim., "Business and Accounting

- Ethics in Islam", Mansell London, 1991.,
15. Godfrey, J., Hodgson, A., Holmes, S. and Tarca, A., "Accounting Theory", 6th ed., Sydney, Wiley, 2006.
 16. Hamid, S., Craig, R. and F. Clarke., "Religion: A Confounding Cultural Element in the International Harmonisation of Accounting?", Abacus, Vol.29, No.2, 1993.
 17. Haqiqi, A. & Pomeranz, F., "Accounting needs of Islamic banking", Advances in Intervational Accounting, Vol.1, 1987.
 18. Hofstede, G., "Culture's Consequences: International Differences in Work-Related Values", Sage Publications, London, 1980.
 19. Islahi, A.A. and Obaidullah, M., "Zakah on stocks: some unsettled issues", Journal of King Abdol Aziz: Islamic Economics, Vol.17, No.2, 2004.
 20. Kahf, M., "The Calculation of Zakah for Muslims in North America", International Graphics, Brentwood, Maryland, 1980.
 21. Khan, M.A., "Accounting issues and concepts for Islamic banks", Accounting Issues in Islamic Banking, The Institute of Islamic Banking and Insurance, London, 2003.
 22. Mannan, M.A., "Islamic Economics: Theory and Practice",

Hodder and Stoughton, UK, 1986.

23. MASB, "Financial Reporting Standard i-1 (FRS i-1): Presentation of Financial Statements of Islamic Financial Institutions", Malaysian Accounting Standard Board, Kuala Lumpur, 2004.
24. MASB, "Technical Release i-1 (TR i-1): Accounting for Zakat on Business", Malaysian Accounting Standard Board, Kuala Lumpur, 2006.
25. Mursyidi, "Akuntansi Zakat Kontemporer", Rosda Karya Bandung, 2003.
26. Rahman, Shadia, "ISLAMIC ACCOUNTING STANDARDS", Islamic - Finance, 2007 (<http://islamic-finance.net/islamic-accounting/acctg5.html>)
27. Shafi, M., "Distribution of wealth in Islam", Karachi: Ashraf Publications, 1979.
28. Siddiqi, S., "Public Finance in Islam", Delhi: Adam Publishers, 1982.
29. Sulaiman, Maliah bt, "The influence of riba and zakat on Islamic accounting", Indonesian Management and Accounting Review, Vol.2, No.2, 2003.
30. Zaim, S., "Recent interpretation on economic aspect of zakah in Imtiaz, I.A. et al, (Eds)", Management of Zakah in Modern Society, IRTI/IDB, Jeddah, 1989.